



ناگهان مشهور شد

سرگئی ایزنشتاین ترجمه‌ی بهزاد موسوی امین



در متن اصلی، برخی از فصل‌ها عنوان ندارد و، به جای عنوان، کلمات آغازین آن فصل آورده شده است. در ترجمه‌ی فارسی، فصل‌هایی را که عنوان نداشته‌اند، در فهرست، بدون عنوان و فقط با شماره‌ی فصل آورده‌ایم.

فهرست

۹	مقدمه‌ی مترجم
۱۳	پیش‌گفتار
۲۱	فصل ۱: پیش‌درآمد
۳۰	فصل ۲: جوانکی از ریگا
۳۴	فصل ۳: خاطرات کودکی
۴۷	فصل ۴: فصلی درباره‌ی جدایی مامان و بابا
۵۲	فصل ۵: چگونه به کودکم بگویمش؟! [۱]
۵۴	فصل ۶
۶۲	فصل ۷
۶۷	فصل ۸: نوگورود - لوس‌مدیوس
۷۴	فصل ۹: چگونه طراحی را آموختم
۹۲	فصل ۱۰: آزکادی آورتنشکو
۱۰۱	فصل ۱۱
۱۰۷	فصل ۱۲: دوینسک
۱۰۹	فصل ۱۳: کتاب‌ها در سفر
۱۲۰	فصل ۱۴: بالای سر اسکلت‌ها
۱۲۷	فصل ۱۵: خاطره‌ی شبی از مینسک
۱۲۹	فصل ۱۶: چگونه به کودکم بگویمش؟! [۲]
۱۳۹	فصل ۱۷: نون
۱۴۵	فصل ۱۸
۱۴۷	فصل ۱۹
۱۴۹	فصل ۲۰
۱۵۱	فصل ۲۱: پیش‌برده (سورین)
۱۶۳	فصل ۲۲: جاده‌ی گرنیل
۱۶۷	فصل ۲۳
۱۹۳	فصل ۲۴: حماسه. گانس. کولت
۲۰۱	فصل ۲۵: حماسه. کوکتو

۲۱۲	فصل ۲۶
۲۱۴	فصل ۲۷: بانویی با دستکش های سیاه
۲۲۰	فصل ۲۸: همه چیز به نقطه‌ی صفر بازگشت
۲۲۳	فصل ۲۹: رفیق لئون
۲۳۱	فصل ۳۰: اتو هـ و کنگر فرنگی
۲۳۹	فصل ۳۱: راه به سوی بوینس آیرس
۲۴۶	فصل ۳۲
۲۵۵	فصل ۳۳: تسوایگ، بابل، تولر، میرهولد، فروید
۲۶۴	فصل ۳۴
۲۶۵	فصل ۳۵
۲۶۶	فصل ۳۶: آثار داگر
۲۷۴	فصل ۳۷: موزه‌ها در شب
۲۸۵	فصل ۳۸
۲۸۹	فصل ۳۹: کتاب‌ها [۱]
۲۹۲	فصل ۴۰: کتاب‌ها [۲]
۲۹۷	فصل ۴۱
۳۱۶	فصل ۴۲: در باب رنج‌های ولتر
۳۳۷	فصل ۴۳: چگونه به کودکم بگویمش؟! [۳]
۳۴۱	فصل ۴۴: منطق حیوان
۳۴۴	فصل ۴۵: می تو
۳۴۶	فصل ۴۶
۳۴۹	فصل ۴۷: داستان نمای درشت
۳۵۷	فصل ۴۸
۳۵۹	فصل ۴۹: دیدار با ماگناسکو
۳۶۵	فصل ۵۰: سرچشمه‌ی خوشبختی
۳۶۸	فصل ۵۱: رنگ
۳۷۱	فصل ۵۲: سه نامه درباره‌ی رنگ
۳۷۵	فصل ۵۳: چگونه به کودکم بگویمش؟! [۴]
۳۸۸	فصل ۵۴
۳۹۰	فصل ۵۵: سخن آخر، سخن آخر، سخن آخر
۳۹۱	پی‌نوشت‌ها
۴۱۱	نمایه

فصل ۱ پیش درآمد

همین حالا به ذهنم می‌رسد که بگویم:

نحوی نگارش یادداشت‌های من کاملاً نامعمول است.

با این حال باید کسانی را که در انتظار بخش‌های متنوع یا توصیف‌های روایی و مطالب هوس‌انگیز هستند از اشتباه در آورم.

یادداشت‌ها اصلاً درباره‌ی «کازانوای سرخ» یا درباره‌ی ماجرای عشقی یک کارگردان روس نیست.

با این همه بی‌تردید خودزندگی‌نامه‌ی فرانک هریس به نام زندگی و عشق‌هایم از نامعمول‌ترین و همین‌طور غیراخلاقی‌ترین نوشته‌های معاصر است که در ۱۹۲۳ منتشر شده است.

این نویسنده‌ی نفرت‌انگیز، خودستا، گستاخ و وقیح درباره‌ی زندگی شخصی و فهرست معشوقه‌های خود با صراحتی دور از نزاکت نوشته و شرح می‌دهد که با همعصران سرشناس خود چه رفتاری داشته است.

این مرد سیبلو با آن چشمان از حدقه‌درآمده و حریص که به راه راست نیامد، واقعاً چه کسی بود؟

سه جلد از زندگی‌نامه‌اش را در امریکا خواندم. آن‌ها را از بازار سیاه کتاب‌های «دست‌چندم» خریدم. معیزي شده بودند. محل‌های ممیزی، در ظاهر برای «رضایت» خواننده با حروف دیگری غیر از حروف اصلی نوشته شده بودند.

و؟

حالا چیزی از ایزوده‌های هوس‌انگیزش را به یاد نمی‌آورم.

از سه جلد کتاب، تنها یک یا دو قسمت آن در قالب صحنه‌هایی مبهم به یادم مانده است.

ویکی درباره‌ی مردی با شرارت‌های هریس حقیر است که به خاطر خنده‌های شدید و عصبی خود وجودش سه روز متوالی لرزید، شوکه شد و در آخر جان سپرد. بله، در اثر لرزه‌ها بود که گوشت تنش «از استخوان‌ها جدا شد»:

اگر انسان عشق و طمع را قوی‌ترین تمایلات بیندارد، با نگاهی به گذشته درمی‌یابد که این‌ها چیزهایی نیستند که در فرد اثری ماندگار به جای بگذارند.